



Journal of Sepehr-e Siyasat  
Vol. 7, No. 23, Spring 2020, pp 141-174  
DOI: 10.22034/sej.2020.1864105.1140

## Sport Political Sociology: The Impact of Sports and Professional Athletes on Political Life\*

Mehdi Mohammadi Aziz Abadi<sup>1</sup>, Seyed Samad Beheshti<sup>2</sup>

<sup>1</sup> M.A in Political Science, University of Yasuj, Yasuj, Iran (Corresponding Author)  
.azizabadi026@gmail.com

<sup>2</sup> Assistant Professor, Sociology, University of Yasuj, Yasuj, Iran.  
sbeheshti@yu.ac.ir

Received: 2019/03/07 ; Accepted: 2020/02/26

### Abstract

The purpose of the present study is to show how the impact of professional sport as a supporter of the ubiquitous political functions available to social forces affects the different levels of today's political life. In other words, what areas of world politics today are most affected by sports and athletes. The research method is descriptive-analytical using library and internet resources. The hypothesis under study is that with the modernization of sport, this new phenomenon has influential political capabilities including identity politics, nationalism, reducing or increasing conflicts and gaps in society, controlling political and social affairs, propaganda tools, political participation, electoral incentives, Promote ideology and so on, And it plays many roles in some of the most important areas of community politics. The results of the article showed that sport is considered as a new and influential political-social tool on the political scene of societies and social forces have been able to gain considerable political empowerment with this phenomenon in the past.

**Keywords:** Sports, Professional athletes, Political Sociology, Social Forces, Political Life, Sociology of Sport.

---

\* Cite this article: Mohammadi Aziz Abadi, Beheshti (2020). Sport Political Sociology: The Impact of Sports and Professional Athletes on Political Life. *Sepehr –e siyasat*, 7(23): 145-178. /Doi: 10.22034/sej.2020.1864105.1140



فصلنامه علمی - تخصصی سپهر سیاست  
سال ۷، شماره ۲۳، بهار ۱۳۹۹، صفحات ۱۷۴-۱۴۱  
DOI: 10.22034/sej.2020.1864105.1140

## جامعه‌شناسی سیاسی ورزش: تأثیر ورزش و ورزشکاران حرفه‌ای بر زندگی سیاسی\*

مهدی محمدی عزیزآبادی<sup>۱</sup>، سید صمد بهشتی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد، علوم سیاسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول).  
azizabadi026@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.  
sbeheshty@yu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۰۷

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر ورزش و ورزشکاران حرفه‌ای بر زندگی سیاسی بود. در این راستا، و با روش توصیفی - تحلیلی، اینکه چه عرصه‌هایی از سیاست جهان امروز بیشتر از همه تحت تأثیر ورزش و ورزشکاران قرار گرفته است، مورد مطالعه قرار گرفت. فرضیه مورد آزمون پژوهش این بود که با مدرن و فراگیر شدن ورزش، این پدیده جدید قابلیت‌های سیاسی تأثیرگذار از جمله سیاست هویت، ملی‌گرایی، کاهش یا افزایش تعارضات و شکاف‌های جامعه، کنترل امور سیاسی و اجتماعی، ابزار تبلیغاتی، مشارکت سیاسی، انگیزه‌های انتخاباتی، ترویج ایدئولوژی و غیره پیدا کرده، و نقش‌های زیادی در برخی از عرصه‌های مهم سیاست جوامع بازی می‌کند. نتایج مقاله نشان داد که ورزش ابزار سیاسی - اجتماعی جدید و تأثیرگذار بر صحنه سیاست جوامع قلمداد می‌شود و همچنین نیروهای اجتماعی توانسته‌اند با این پدیده، نسبت به گذشته توانمندی سیاسی قابل ملاحظه‌ای کسب کنند.

**کلیدواژه‌ها:** ورزش، ورزشکاران حرفه‌ای، جامعه‌شناسی سیاسی، نیروهای اجتماعی، زندگی سیاسی، جامعه‌شناسی ورزش.

\* استناد به این مقاله: محمدی عزیزآبادی، بهشتی (۱۳۹۹). جامعه‌شناسی سیاسی ورزش: تأثیر ورزش و ورزشکاران

حرفه‌ای بر زندگی سیاسی. سپهر سیاست، ۷(۲۳): ۱۴۱-۱۷۴ / 10.22034/sej.2020.1864105.1140

### مقدمه

گرایش فزاینده به ورزش باعث پیدایش مسائل و موضوعاتی شده است که ذاتاً ماهیت اجتماعی و سیاسی دارند، بنابراین باید فهمید که ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ورزش و نقش‌ها و تأثیرهای حیاتی این پدیده چیست. اصحاب علوم اجتماعی از زمانی که ورزش بیش از پیش و مستقیماً با صنعت کالا، خدمات و تبلیغات ارتباط تنگاتنگی پیدا کرد و نهادهای سیاسی و اجتماعی به صورت‌های گوناگون آن را جهت نیل به اهداف خود به خدمت گرفتند، از آن به عنوان مسأله‌ای قابل اعتناء در ارائه انواع تحلیل‌های جامعه‌شناختی استفاده کردند (نوابخش و جوانمرد، ۱۳۸۸، ص ۱۳۴). وقتی ورزشی از سطح ملی فراتر رود و در سطوح منطقه‌ای و جهانی مطرح می‌شود، ابعاد و تأثیرات آن نیز به شدت گسترش می‌یابد. به همین ترتیب توانایی ورزش در بسیج عمومی و تهییج احساسات، بهره‌گیری از آن جهت توسعه اقتصادی، ایجاد مشروعیت و ملت‌سازی، همگرایی ملی و غیره جذابیت‌های ویژه‌اند که حکومت‌ها را در توجه به ورزش ناگزیر ساخته است (فاضلی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۵). همچنین هر قدر ورزش به سمت حرفه‌ای شدن پیش می‌رود، به همان میزان دخالت سیاست‌مداران در ورزش بیشتر می‌شود. اهمیت یافتن رقابت‌های ورزشی بین‌المللی موجب شده که کشورها با نگاهی جدید به ورزش‌های پرطرفدار بنگرند و در پی استفاده حداکثری از امکانات بالقوه این بازی‌ها باشند. حتی تا چندی پیش، اغلب کشورهای جهان از نقشی که ورزش می‌تواند در سیاست خارجی ایفا کند، آگاه نبودند. ولی شکی نیست که

موفقیت‌های تیم‌های ملی ورزشی و تیم‌های منتخب، بار سیاسی دارند و می‌توان از آنها معنای سیاسی برداشت کرد، تا جایی که اصطلاح «سیاسی کردن ورزش» پدید آمده است (التیامی‌نیا و محمدی عزیزآبادی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۶).

نمودهای سیاسی را می‌توان جزئی از روابط اجتماعی در مفهوم عام بین‌افشار مختلف اجتماعی و یا مناسبات بین اجتماعات گوناگون محسوب کرد، این گونه روابط سیاسی هر یک به نحوی با وسایل و طرق گوناگون بین اجتماعات گوناگون در محدوده‌های وسیع یا با مرزبندی مشخص با روابط ورزشی - اجتماعی خاص و ساختار و شبکه‌های آن مرتبط بوده و در عین بهره‌برداری از نقش زیرساز و یا کارکردهای پنهانی و صوری آن برای پیشبرد و گسترش روابط موجود و شبکه‌های آن در حیطه وظایف خویش استفاده کرده و متقابلاً در تقویت روابط ورزشی - اجتماعی در درون یک جامعه و در بین ملل گوناگون نقش عمده‌ای را ایفاء می‌کنند که تاریخ معاصر ورزش در جهان مصداق خوبی بر این فرایند ارتباطی می‌باشد.

موضوع اصلی جامعه‌شناسی سیاسی به طور کلی بررسی روابط دولت و جامعه و به ویژه تأثیرات جامعه بر روی دولت است. از این رو در جامعه‌شناسی سیاسی شناخت جامعه و پیچیدگی‌های آن نقطه عزیمت شناخت زندگی سیاسی به شمار می‌رود (بشیریه، ۱۳۷۴، ص ۱۹). اما جامعه‌شناسی ورزش به مطالعه ارزش‌ها، هنجارهای فرهنگی و تعامل مؤثر نهاد اجتماعی ورزش با سایر نهادهای جامعه پرداخته می‌پردازد. مطالعات و پژوهش در زمینه مراسم، آیین‌ها، نمادها، ارزش‌های مشترک، ابزار سلطه، خشونت‌گرایی، تجاری شدن، سرمایه اجتماعی و فرهنگی، سیاسی شدن، رسانه‌ای شدن از مهم‌ترین موضوعات جامعه‌شناسی ورزش است. در کل شکی نیست که میان ورزش و نیروهای گوناگون اجتماعی تأثیرات متقابلی وجود دارد. بنابراین، باید فهمید که ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ورزش و نقش‌ها و تأثیرهای حیاتی این پدیده‌ها چیست. همچنین باید کوشید با تقویت نظام‌های ورزشی به سان یک نظام اجتماعی و فرهنگی مهم معیارها و ملاک‌های نوینی را وضع کرد که بتواند پاسخگوی نیازهای کنونی و

آینده مردم باشد، زیرا ماهیت اجتماعی و سیاسی ما را می‌دارد تا در میان ورزش و شاخه‌های گوناگون علوم سیاسی و اجتماعی پیوند برقرار کرده و مفاهیمی را وضع کنیم که از طریق پی‌ریزی مبانی نظام‌های فرعی نو مانند «جامعه‌شناسی سیاسی ورزش» زمینه این پیوند و ارتباط فراهم شود، به گونه‌ای که این مباحث و نظام‌های فرعی تمامی مسائل اجتماعی و فرهنگی ورزش را تحت پوشش قرار دهد.

با توجه به این مقدمه، هدف پژوهش حاضر این است که نشان دهد ورزش حرفه‌ای به مثابه طرفداران پرشمار با کارکردهای سیاسی همه جا حاضر که در اختیار نیروهای اجتماعی قرار دارد، چه تأثیراتی بر سطوح مختلف زندگی سیاسی امروزین برجای می‌گذارد. به عبارت دیگر، چه عرصه‌هایی از سیاست جهان امروز بیشتر از همه تحت تأثیر ورزش و ورزشکاران قرار گرفته است؟ در پاسخ تلاش خواهیم کرد این فرضیه را به آزمون بگذاریم که با مدرن و فراگیر شدن ورزش، این پدیده جدید قابلیت‌های سیاسی تأثیرگذار از جمله سیاست هویت، ملی‌گرایی، کاهش یا افزایش تعارضات و شکاف‌های جامعه، کنترل امور سیاسی و اجتماعی، ابزار تبلیغاتی، مشارکت سیاسی، انگیزه‌های انتخاباتی، ترویج ایدئولوژی و غیره پیدا کرده، و نقش‌های زیادی در برخی از عرصه‌های مهم سیاست جوامع بازی می‌کند. این نقاط پیوند ورزش، جامعه و سیاست را می‌توان در چندین سطح دسته‌بندی کرد.

روش پژوهش در این تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده و روش جمع‌آوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای است.

### پیشینه پژوهش

ملکوئیان (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان «ورزش و سیاست» به جنبه‌های مختلف رابطه ورزش و سیاست پرداخت. براساس این بررسی، رابطه ورزش و سیاست یک رابطه دو طرفه است، به گونه‌ای که از یک طرف سیاست از طریق تدوین و اجرای راهبرد ورزشی بر ورزش تأثیر دارد و از طرف دیگر ورزش از طریق تحکیم ارزش‌های انسانی و همبستگی ملی و افزایش مشارکت سیاسی بر سیاست تأثیر می‌نهد.

هولیهام<sup>۱</sup> (۲۰۰۵)، در تحقیقی تحت عنوان «رابطه سیاست و ورزش»، اهداف سیاست‌مداران و حکومت‌ها را از دخالت در ورزش با مطالعه در کشورهای کانادا، چین، آلمان، نروژ، لهستان، سنگاپور و بریتانیا بررسی کرده است. او به این نتیجه رسید که اهداف سیاست‌مداران و حکومت‌ها برای دخالت و ورود در ورزش به عواملی چون: حفظ نظم عمومی، برقراری عدالت و حفظ حقوق انسانی، ارتقاء وجهه و قدرت یک جامعه یا ملت، ترویج وحدت ملی، باز تولید ارزش‌های همساز با ایدئولوژی سیاسی غالب، افزایش حمایت و پشتیبانی از رهبران سیاسی و حکومت، تسهیل توسعه اقتصادی و اجتماعی بستگی دارد.

فاضلی (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «ورزش و سیاست هویت» می‌کوشد تا تحلیلی نظری بر رابطه ورزش و سیاست ارائه کند. مهم‌ترین کارویژه سیاسی ورزش به ویژه ورزش فوتبال کنترل و جهت‌دهی به افکار عمومی، نشان دادن چهره‌ای کارآمد از دولت و در نهایت همبستگی ملی و ملت‌سازی است. اما فوتبال تنها مورد استفاده دولت‌های ملی نبوده، بلکه گروه‌های اقلیت و اقوام می‌کوشند تا از پتانسیل بالای این ورزش در جهت نشان دادن مخالفت خود با دولت‌ها و یا تقویت هم‌گرایی قومی خود بهره بگیرند.

رفیعی و محمدی عزیزآبادی (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «ورزش و هویت جمعی؛ مطالعه موردی: شهر کرج» به این موضوع پرداخته‌اند که چگونه ورزش و ورزشکاران می‌توانند بر هویت جمعی مردم یک کشور یا شهر نقش و تأثیر داشته باشند. یا دولت چگونه می‌تواند از ورزش به عنوان عاملی برای تقویت هویت جمعی استفاده می‌کند. نتایج تحقیق نشان داد که ورزش از جمله عوامل تأثیرگذار بر هویت جمعی است، به طوری که موفقیت در ورزش قهرمانی (سطوح داخلی و بین‌المللی) می‌تواند باعث تقویت هویت جمعی (شهری و ملی) در شهروندان شود.

شاه رضایی و شیرزادی (۱۳۹۵)، در تحقیقی تحت عنوان «ورزش، سیاست و روابط بین‌الملل» به مطالعه رابطه ورزش، سیاست و روابط بین‌الملل پرداخته و ابعاد مختلف آن را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که ورزش با تکیه بر قابلیت‌های نرم افزاری خود در مؤلفه‌های اصلی سیاست و روابط بین‌الملل مانند امنیت، منافع ملی، قدرت، اقتصاد، پذیرش سیاسی، دیپلماسی ورزشی و قدرت نرم تأثیرگذار است. حوزه ورزش همواره تحت تأثیر جهت‌گیری‌ها و رویکردهای حاکم بر سیاست و روابط بین‌الملل از سوی بازیگران دولتی و غیردولتی این عرصه قرار دارد.

به دلیل کمبود تحقیقات و مطالعات در زمینه جامعه‌شناسی سیاسی ورزش، این حوزه علمی ناشناخته مانده است. به همین دلیل، مبانی اجتماعی و سیاسی ورزش و کارکردهای گسترده آن در ساختار جامعه و نهادهای اصلی به خوبی شناخته و تبیین نشده است. با این تفاسیر جهت‌گیری و اهداف اجتماعی و سیاسی ورزش با ابهامات فراوانی مواجه خواهد شد. همچنین در اکثر تحقیقات فقط به بررسی رابطه بین ورزش و سیاست و هویت پرداخته شده، اما در پژوهش حاضر ورزش به طور کلی و حتی ورزشکاران و نقشی که در زندگی سیاسی دارند، در نظر گرفته می‌شود. در پژوهش حاضر به جامعه‌شناسی سیاسی ورزش پرداخته می‌شود، یعنی رابطه بین دولت، جامعه (سیاسی - اجتماعی) و ورزش. با این تفصیل در این پژوهش ما وظیفه اصلی جامعه‌شناسی سیاسی ورزش را به بررسی روابط میان قدرت دولتی و گروه‌ها و نیروهای اجتماعی و ورزش و ورزشکاران حرفه‌ای محدود کرده‌ایم تا «دیسپلین» جامعه‌شناسی سیاسی ورزش به معنی دقیق آن از دیگر شاخه‌های علوم سیاسی و اجتماعی به روشنی متمایز گردد.

### مبانی نظری پژوهش

در این پژوهش برای پاسخ به پرسش تحقیق از مباحث ساختاری - اجتماعی مطرح درباره نقش و تأثیر ورزش و ورزشکاران در زندگی سیاسی استفاده شد. به این ترتیب در پژوهش حاضر، تئوری‌های مختلف جامعه‌شناسان سیاسی در مورد ورزش

برای شناخت بهتر خواننده و نظریه مناسب و تبیین‌گر (کارکردگرایی) طرح گردیده است.

مارسل موس<sup>۱</sup> با تألیف کتاب «فنون بدن» در سال ۱۹۳۴ اولین تألیف را در جامعه‌شناسی ورزشی به رشته تحریر درآورد و شالوده جامعه‌شناسی ورزشی را پی‌ریزی نمود و به عنوان پیش‌قراول این حوزه شهرت یافت. علمی که به تعبیر «لوی اشتروس»<sup>۲</sup> سرزمین جدیدی به وسیله موس فتح شد. مارسل موس در این مقاله کلیدواژه‌هایی مثل «فنون بدن»، «عادت واره»، و «عقل عملی» را به کار برد و عملاً علم جامعه‌شناسی به ورزش، بازی‌ها و مسابقات ورزشی نفوذ یافت. به نظر موس در تمام بازی‌ها و ورزش‌ها از جمله شنا، دو، کوهنوردی و پرش‌ها یک عنصر نیرومند جامعه‌شناسی وجود دارد، که او آن را عادت‌واره نامید. او در کتاب خود در خصوص «عادت واره» در عرصه‌های ورزشی معتقد است که رفتارهای بدنی از سنخ رفتارهای طبیعی نیستند، بلکه رفتارهای فرهنگی اند. مجموعه‌ای از رفتارهای نمادین وابسته به منزلت و موقعیتی که هر فرد در سلسله مراتب اجتماعی احراز کرده است. ورزش در واقع به بازی گرفتن قاعده‌مند بدن است که بر حسب تعلق اجتماعی کنشگران و عمل‌کننده‌ها، کارکردهای متعدد و گوناگونی دارد. مارسل موس در این نوشتار رابطه رفتار بدنی با فرهنگ را به عنوان مسأله اصلی جامعه‌شناسی ورزش مطرح کرده و معتقد است، هر حرکت بدن در همبستگی تنگاتنگی با بستر اجتماعی اش یک حرکت فرهنگی به شمار می‌آید. او بر آن است، بدون هرگونه قضاوت ایدئولوژی و ارزشی به ورزش بپردازد (نوابخش و جوانمرد، ۱۳۸۸، ص ۱۳۵). در جایی دیگر به گفته مارسل موس:

۱. ورزش تجلی زیربنای اقتصادی جامعه و اتکاء‌کننده روح سرمایه‌داری است.

۲. ورزش منعکس‌کننده و تقویت‌کننده توزیع نابرابر ثروت و قدرت در جامعه

است.

1- Marcel Mouse

2- Levi Strauss



۳. ورزش نمایشگر ابعاد ابزارگونه، بورژوازی و نخبه‌گرایی یک فرهنگ تکنوکراتیک است.

۴. ورزش جلوه‌ای از بیگانگی است که انسان را دچار آگاهی کاذب می‌کند (نادریان، ۱۳۸۴، ص ۷۰).

در دهه شصت نوربرت الیاس<sup>۱</sup> در تحلیل و تعبیری شگفت‌انگیز و جدیدی اعلام کرد «ورزش کلید شناخت جامعه است». به اعتقاد الیاس، تمدن‌ها و جوامع از سده‌های گذشته تاکنون با درونی کردن تدریجی فشارهای اجتماعی سخت‌گیرانه به صلح‌آمیز شدن رسوم اخلاقی کمک کرده تا آنجا که در این فرآیند خودکنترلی، بدن در خط مقدم جای گرفته است. از دیدگاه وی عادت‌های حرکتی در مهار تدریجی رفتارها و تکانه‌های پرخاش‌گر نقش مهمی ایفا کرده‌اند، به گونه‌ای که بازی‌ها و ورزش‌ها وسیله ممتازی به منظور تنظیم خشونت شده و تمرین هم‌ستیزی بدنی را در چارچوب رقابت قاعده‌مندی روی صحنه آورده و آن را قانون‌مند و مشروع ساخته است. الیاس بر آن بود که قشرهای اجتماعی مرفه با تکیه بر رفتارهای حرکتی و ورزشی سعی می‌کنند تا شیوه‌های کنش و واکنش متقابلی را متداول کنند که الیاس آن را با وام گرفتن از اصطلاح «مارسل موس» (عادت‌واره اجتماعی) می‌نامد (نوابخش و جوانمرد، ۱۳۸۸، ص ۱۳۸).

اصل نظریه پیر بوردیو<sup>۲</sup> در حوزه ورزش را باید به مسئله «سلیقه» و چگونگی شکل گرفتن اجتماعی آن مربوط دانست. نظریه بوردیو مبنی بر آن است که در ورزش همچون هر کنش اجتماعی و فرهنگی دیگر مجموعه بزرگی از ورودی‌های تمایزدهنده کنشگران اجتماعی وارد عمل می‌شوند که امکان می‌دهند این کنشگران با یکدیگر بر سر امتیازات واقعی رقابت کنند. در این رقابت که گاه بی رحمانه است، کنشگران ابایی از آن ندارند که یک کنش را «تحقیر» کنند تا بهتر بتوانند کنشگران تابع آن را زیر سلطه

1- Norbert Elias

2- Pierre Bourdieu

بکشند و یا برعکس از خلال «زیباسازی»های مختلف، کنش دیگری را در نظام ارزشی کنش اجتماعی بالا ببرند. البته بورديو تمام جنبه‌های دیگر ورزش از جمله جنبه‌های سیاسی و اقتصادی و آیینی آن را نیز از همین دریچه تحلیل می‌کند که به نظریه معروف سرمایه‌ها و میدان او برمی‌گردد (فکوهی، ۱۳۹۱، ص ۱۰). بورديو می‌نویسد: شکل‌گیری یک حوزه ورزشی در پیوند با ارائه نوع فلسفه ورزش بوده که لزوماً یک فلسفه سیاسی است (بورديو، ۱۳۸۱، ص ۳۶۶). بورديو امر ورزشی را که ظاهراً غیرسیاسی است، پهنه و میدانی برای رقابت بر سر قدرت می‌داند. به گفته وی، مردم داوطلبانه وارد سازمان‌های ورزشی شده‌اند و از طریق رقابت، خشونت خود را تخلیه می‌کنند. حکومت‌ها نیز سازمان‌های ورزشی را به رسمیت می‌شناسند تا از آن طریق به بسیج توده‌ها و فتح آنان پردازند. پتانسیل قدرت در ورزش باعث می‌شود احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها، کلیساها و مراکز سرمایه وارد این عرصه شوند (ملکوتیان، ۱۳۸۸، ص ۳۰۳). بورديو با جذابیت تمام ما را با کارکرد نظارتی - کنترلی میدان ورزش در قلمروی عمومی مواجه می‌سازد.

**امیل دورکیم<sup>۱</sup>** به ورزش‌ها به عنوان آیین‌هایی نگاه می‌کند که به نوعی یادآور آیین‌های مذهبی هستند. از نظر وی، درست است که فوتبال برای مردم، موضوع مرگ و زندگی است و بسیاری از افراد، بردن و باختن را بیش از حد جدی می‌گیرند، اما موضوع مهم‌تر آن است که آنها چه برنده و چه بازنده، هرگز ایمان خود را به فوتبال از دست نمی‌دهند. همان‌طور که تماشاچیان به واسطه یک نیروی جداگانه و مجرد، مجبور می‌شوند به ورزشگاه (پرستش‌گاه) بروند. در این میان به وفور نمادهایی از پرستش یک امر مذهبی مشاهده می‌شود. گویی ورزش امر مقدسی است که باید در ورای باخت‌ها و پیروزی‌ها حفظ شود. در این میان، دورکیم از ورزشکاران به عنوان الگوهای نقش یاد می‌کند. به اعتقاد وی، آنها یک گروه مرجع با اهمیت، به مثابه توت‌م مقدس هستند که

---

1- Emile Durkheim

هدایایی شبیه «مانا» به آنها اهداء می‌شود. به طور کلی از نظر دورکیم، بحث بر سر مقدس بودن یا غیر مقدس بودن ورزش نیست، بلکه ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی، پیام‌های قدرتمندی دارد و این قدرت در آن هست که به آیینی شبه مذهبی تبدیل شود (مهرآئین، ۱۳۸۷، ص ۲۷-۲۵). دورکیم برای هرگونه ناهنجاری، کارکردی مثبت در نظر گرفته و معتقد است ناهنجاری‌های موجود در ورزش می‌تواند در گذر زمان به افزایش سطح تحمل و فرهنگ عمومی جامعه در تمامی حوزه‌ها منجر شود. رفتاری که در میدان ورزش، تقبیح می‌گردد و خط قرمز محسوب می‌شود، کم‌کم در عرصه جامعه رؤیت شده و ضمن ملایم‌تر کردن واکنش‌ها، تا مرز پذیرش نسبی پیش می‌رود.

دو دیدگاه عمده که در بررسی جامعه‌شناختی ورزش به کار رفته است، نظریه کارکردگرایی<sup>۱</sup> و نظریه تضاد<sup>۲</sup> است. نگرش کارکردگرایانه، بر چگونگی استفاده از ورزش در رفع نیازهای اساسی نظام اجتماعی، تأکید می‌کند و نظریه تضاد، تأثیر مسائل اجتماعی و نابرابری‌ها بر ورزش و ورزشکاران را مورد تأکید قرار می‌دهد (صدیق سروستانی، ۱۳۷۲، ص ۵۳). در رویکرد کارکردگرایی جامعه‌پذیری از طریق ورزش بر این مبناست که ورزش فرد را قادر می‌سازد که با جامعه هماهنگ شود. در مقابل رویکرد تضادگرایان در حوزه جامعه‌پذیری ورزشی بر این عقیده‌اند که نوعی بی‌عدالتی و نابرابری ورزشی بین طبقات جامعه وجود دارد. طبقات مسلط از طریق ورزش ارزش‌ها و هنجارهای خود را به طبقات پایین تحت سلطه اعمال می‌کنند (صداقت‌زادگان، ۱۳۸۴، ص ۶۳).

کارکردگرایان معتقد به تز انعکاسی در مورد ورزش هستند، چرا که معتقدند ورزش عالم صغیر و آئینه جامعه است. کارکردگرایان ورزش را به مثابه نهاد شبه مذهبی در نظر می‌گیرند که با استفاده از مراسم و تشریفات خاص خود به تقویت

---

1- Functionalism

2- Conflict

ارزش‌های مشترک بین افراد جامعه می‌پردازد. کارکردگرایان با توجه به ارتباط متقابل ورزش به عنوان یک نهاد اجتماعی با سایر نهادهای اجتماعی مانند خانواده، مذهب، آموزش و پرورش، نهادهای اقتصادی و سیاسی و حتی رسانه‌های گروهی سعی در تحلیل ابعاد اجتماعی ورزش در سطوح مختلف دارند. این دیدگاه نیز معتقد است ورزش با تخلیه هیجان‌ها و تنش‌ها و انرژی پرخاش‌گری افراد و تأکید بر ارزش‌های مثبت اجتماعی دارای نقش در جامعه‌پذیری سیاسی بوده و باعث تقویت وحدت ملی و ثبات و تعادل اجتماعی می‌گردد. این دیدگاه بر این اعتقاد است که زمانی ثبات و تعادل اجتماعی حفظ می‌شود که ارزش‌ها و محیط با هم سازگار باشند و آن هم در صورتی است که از جمله ارزش‌های جامعه از طریق یک روند با کفایت جامعه‌پذیری به خوبی به نسل‌های جدید منتقل گردد. ورزش تنها یک ماجرای ساده نیست، بلکه یک متن چندلایه است که در شکل دادن هویتی جامعه نقش دارد (ملکوتیان، ۱۳۸۸، ص ۳۰۳).

به طور کلی به زعم جامعه‌شناسان دیدگاه کارکردگرایی، نهاد ورزش در درون ساخت و نظام اجتماعی دارای کارکردهایی به شرح زیر می‌باشد:

۱. جامعه‌پذیری و هم‌نوایی
۲. کسب مهارت‌های اجتماعی
۳. شکل‌گیری و تقویت هویت فردی و ملی
۴. ترویج وفاداری ملی، حس وطن‌دوستی، میهن‌پرستی و احساس تعلق
۵. کنترل اجتماعی
۶. رهایی از تنش‌ها و کاهش تضادها
۷. افزایش ارتباطات اجتماعی و اتحاد آنها در زمینه‌های مختلف
۸. کمک به حفظ الگوها (اهمیت به قوانین و مقررات بازی)
۹. تعمیم حمایت‌های اقتصادی و سیاسی
۱۰. آموزش هنجارها و ارزش‌های مورد قبول جامعه از طریق ورزش
۱۱. تطبیق (انطباق حرکتی او با محیط‌هایی که انسان آنها را می‌سازد)

۱۲. هدف‌یابی (قاسمی، ذوالاکتاف و علی‌وند، ۱۳۸۸، ص ۱۱۰).

به این ترتیب در پژوهش حاضر تلاش گردید تا از تئوری کارکردگرایی برای انسجام در پژوهش و هدایت‌گر تحلیل استفاده شود. در واقع کارکردگرایی با توجهی که به رابطه‌ی ورزش، سیاست و جامعه دارد، می‌تواند به عنوان نظریه تبیین‌گر مورد توجه قرار گیرد.

### ضرورت ورزش به عنوان نهاد اجتماعی - سیاسی

ورزش به عنوان نهاد اجتماعی در عصر حاضر می‌تواند در زمینه ارتباط توانایی‌های بدن‌ی مورد اهمیت و مطالعه قرار گیرد. در واقع در عصر حاضر ورزش بخشی از روند تحولات کلی جامعه را با خود به همراه می‌آورد و افکار عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر این اساس ورزش در جامعه دارای رنگ و بوی فرهنگی است و هر جامعه‌ای از این پدیده مطابق با فرهنگ حاضر دریافت خاصی دارد. چنین نسبت فرهنگی از پدیده ورزش در حوزه مطالعات اجتماعی که ناشی از خلاقیت‌های اجتماعی و فرهنگی ملت‌ها می‌باشد، بیانگر این است که پدیده ورزش به عنوان یک محصول فرهنگی و اجتماعی مستقل از جامعه نیست و در متن نظام اجتماعی تکامل پیدا می‌کند. نهاد ورزش را در جامعه باید نوعی نظام سازمان‌یافته و پایداری از الگوهای اجتماعی و سیاسی دانست که برخی از رفتارهای تأیید شده و یکنواختی را در اعضای مشارکت‌کننده ورزشی در جهت برآورده کردن نیازهای بنیادی جامعه بوجود می‌آورد. نهاد اجتماعی ورزش در جوامع امروزی هدفش رسیدن به انسجام اجتماعی، بیانگر هویت ملی و ارزشی جوامع، نهادی برای گذاران اوقات فراغت، رشد ناخالص درآمد ملی، هدایت و تربیت صحیح افراد جامعه و غیره می‌باشد. در نهاد اجتماعی ورزش، منش‌ها، الگوهای اخلاقی و ارزشی، رفتارهای پهلوانی، همیاری و حمایت، افتادگی و جوانمردی و غیره به عنوان ارزش‌هایی غایی به ورزشکار آموخته می‌شود. نهاد ورزش به عنوان یک نهاد پایدار در جامعه امروز با توجه به آداب و سننی که در جامعه حاکم است در فرهنگ یک جامعه ریشه دوانیده و در طی زمان و مکان دگرگون شده، اما به

عنوان نهاد اثرگذار در فرهنگ ملت‌ها باقی مانده است. با این تفاسیر ورزش فوتبال با توجه به توانایی جذب جمعیت گسترده مردمی می‌تواند در خدمت نهادهای مختلف اجتماعی و سیاسی قرار گیرد. در کشورهایی که احزاب، گروه‌ها و رسانه‌ها محدودیت‌های مختلفی برای ابراز نظرات، انتقادات و مخالفت‌های خود با گروه‌های سیاسی حاکم دارند، اجتماعات ورزشی بزرگ مانند فوتبال می‌توانند در خدمت هدف‌های دگراندیشانه و اعتراضات اجتماعی و سیاسی قرار گیرند. فوتبال می‌تواند با نمادین شدنش در جامعه، معیاری برای داوری در مورد کارآمدی نظام سیاسی و مدیریتی کشور باشد. در این بازی که همه نسبت به آن حساسیت بالایی دارند، ضعف در مدیریت بیش از دیگر حوزه‌ها نشان داده می‌شود، همان‌طور که قوت در مدیریت این حوزه، می‌تواند به مشروعیت بیشتر جامعه و نظام سیاسی بینجامد. اهمیت فوتبال تا جایی است که جنبه هویتی می‌یابد و در نهایت، ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه را دچار تغییر می‌کند. از همین رو جامعه‌شناسان سیاسی از هنگامی که ورزش با اقتصاد و فرهنگ و جامعه ارتباط تنگاتنگی پیدا نمود و نهادهای سیاسی و اجتماعی آن را در جهت اهداف خود به خدمت گرفتند، از آن به عنوان مسأله‌ای در ارائه انواع تحلیل‌های جامعه‌شناختی و حتی سیاسی استفاده کردند. به طوری که ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی نشانگر ورود افراد به شبکه روابط اجتماعی است. ورزش عرصه ظهور رفتارها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و بازنمایی‌های معنادار قرن بیست و یکم می‌باشد (محمدی عزیزآبادی، ۱۳۹۷، ص ۳۹۰-۳۸۸).

### **ورزش و ورزشکاران حرفه‌ای، دولت و جامعه مدنی**

با توجه به نقش‌های گسترده‌ای که امروزه ورزش بر عهده دارد، دولت‌ها سعی کرده‌اند از یک‌سو بین فعالیت بدنی و فیزیکی و فعالیت‌های ورزشی سازمان‌یافته تمایز قائل شوند که در نتیجه آن ورزش‌های قهرمانی به عنوان یکی از دستور کارهای مهم بروز کند. از سوی دیگر، برای استفاده بهتر از بسترهای ورزش به عنوان فعالیتی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، برنامه گسترده ورزش برای همه را به منظور

مشارکت دادن اقشار مختلف مردم در این فرآیند طراحی و اجرا کنند. ورزش، یکی از ملزومات اساسی زندگی اجتماعی امروز و از عرصه های بسیار مهمی است که حکومت ها، افراد و سازمان های بین المللی با آگاهی کامل از ابعاد سیاسی - اجتماعی آن، همواره تمایل داشته اند تا از آن برای دستیابی به اهداف مورد نظر خود بهره برداری کنند. تمایل افکار عمومی جهان به کسب اخبار و اطلاعات مربوط به رویدادهای ورزشی از یک سو و انعکاس گسترده وقایع ورزشی از طریق رسانه های جمعی از سوی دیگر باعث شده است که قلمرو ورزش و سیاست روز به روز به هم نزدیک تر شوند. اما مردم از دخالت سیاستمداران در ورزش احساس تنفر می کنند. ورزشکاران امیدوارند روزی عرصه ورزش و سیاست از هم جدا شوند و ورزش بدون دخالت سیاستمداران به کار خود ادامه دهد. از سویی عرصه ورزش به کمک سیاستمداران نیاز دارد، مهم ترین نیاز ورزش به سیاست، حمایت مالی می باشد. بدون حمایت مالی حکومت ها و سیاستمداران، ورزش نمی تواند به تمام اهداف خود دست یابد. بنابراین، می توان بیان کرد که جدای از جنبه های منفی دخالت حکومت و سیاستمداران در ورزش، این دخالت گاهی جنبه های مثبت باری در ورزش به همراه خواهد داشت. اما با این وضع میدان های ورزشی هیچ گاه عاری از جهت گیری سیاسی نبوده اند، در واقع «آلودگی سیاسی» بیماری دوم ورزش مدرن است (Houlihan, 2005, P169).

نقش منسجم کننده ورزش برای یک ملت، مشابه نقش ساختاری - کارکردی منتسب به ورزش در اجتماعات می باشد. انسجام برای مقابله با تنوع و تضاد نژادی، قومی، منطقه ای و طبقاتی موجود در داخل یک کشور، دلیل عمده ای است که سبب می شود تا ملت ها مشارکت در رویدادهای ورزشی کاملاً آشکار را تشویق و ترغیب نمایند. اگرچه، منتقدان معتقد به دیدگاه تضاد بر این باورند که استفاده از ورزش برای تشویق متجانس نمودن مردم جامعه، بیانگر تلاشی است برای کنترل این مردم از طریق تلقین ارزش های حاکم خاصی بر آنها که نتیجه این امر، تقلیل احتمال چالش علیه صاحبان قدرت می باشد. ورزش در صورت مدیریت درست و علمی می تواند فرهنگ

تساهل و مدارا و رقابت جویی سالم را ارتقاء دهد، در کنترل و کاهش خشونت‌های اجتماعی اثرگذار باشد. به ویژه در کشورهایی که عرصه برای خودنمایی جامعه مدنی کم رنگ‌تر است. از طرفی ورزش ارزش‌ها، ساختار و نیروهای محرکه جامعه را نشان می‌دهد و ویژگی‌های اجتماعی را منعکس می‌سازد. همچنین به منظور ارزیابی بیشتر از قدرت دولت و استقلال عمل جامعه مدنی، ضرورتاً باید میزان کنترل دولت بر وحدت ملی‌ای که او امیدوار است از طریق ورزش ایجاد کند، سنجیده شود. اما بسیاری از تغییرات حادث در ماهیت ورزش ناشی از تأثیر رسانه‌های جمعی و تمایل مدیران این رسانه‌ها و نمایندگان مؤسسات ورزشی برای افزایش جاذبه سیاست‌ها است. ورزش عرصه‌ی فعالیت‌های الگومندی است که فرصت منحصر به فردی برای مطالعه و فهم پیچیدگی‌های حیات اجتماعی و حتی بین‌المللی فراهم می‌آورد. به خاطر همین عملکردها است که می‌توان از رسانه‌های ورزشی در راستای ایجاد صلح و تقویت هویت استفاده‌های زیادی کرد. اما ویژگی مورد اتکای ورزش که مورد بهره برداری نظام سلطه هم قرار دارد، توان ورزش در ساخت «الگوهای اجتماعی» است (Li & Honga, 2015, P773). از این‌رو، نظام سلطه می‌تواند به کمک ورزش، الگویی با ماهیت و شاخص‌های مدنظر خود را به جامعه و طبقات فرودست تحمیل کند. همین امر، تقویت سلطه طبقه حاکم را تضمین می‌کند و توان حداکثری این سلطه بوسیله تماشای غیرمستقیم رویدادهای ورزشی، صورت می‌گیرد. همه حکومت‌ها با اشکال مختلف ایدئولوژی‌های سیاسی، رقابت‌های ورزشی بین‌المللی را به عنوان زمینه‌ای برای آزمودن ملت یا نظام سیاسی مورد تأیید قرار داده‌اند. بنابراین ما شاهد آن هستیم که آلمان نازی، ایتالیای فاشیست، شوروی کمونیست، چین مائوئیست، کشورهای غربی کاپیتالیست و کشورهای آمریکای لاتین تحت رهبری نظامیان کودتاچی همگی در رقابت‌های ورزشی بین‌المللی حضور یافته‌اند و آن را مورد تأیید قرار داده‌اند (Jon, 2013, P7). نقش دولت‌ها در قاموس کارگزاران عیان و پنهان ورزش، بسیاری از مناسبات حوزه ورزش را به شکل جدی معنادار کرده و دریچه‌ای نو به کارکرد ویژه ورزش به عنوان یکی از محبوب‌ترین مقوله‌های مورد پذیرش مردم در



سراسر جهان گشوده است. همچنین کارکرد و نقش آفرینی ورزش در سیاست، در بسیاری موارد دولت‌ها را منتفع و یاری نموده یا به عنوان ابزاری در دسترس، در عرصه اجتماعی از سوی افراد جامعه به منظور تعقیب خواست‌ها و مطالبات خود مورد بهره و توجه قرار گرفته است (شاه‌رضایی و شیرزادی، ۱۳۹۵، ص ۱۸۶).

همچنین برخی از ورزشکاران حرفه‌ای، می‌توانند نقش کلیدی در ایجاد تبلیغات سیاسی برای توسعه صلح، رفتار انتخاباتی، مشارکت سیاسی، ابزار حکومتی، ملت‌سازی، همگرایی و غیره داشته باشند. از طرفی ورزشگاه‌ها محیط‌های مناسبی است که در چنین شرایطی همواره مورد توجه برخی معترضان سیاسی و مدنی قرار داشته که با اعمال توجه و حمایت از تیمی در مقابل تیم مورد حمایت دولت یا ورزشی خاص، دست به نمایش گستردگی اعتراض خود می‌زنند و شرایطی را فراهم می‌آورند تا ورزشکاران هم به جمع معترضین پیوسته، از نفوذ اجتماعی آنها بهره‌مند شوند. در چنین وضعیتی ورزشکارانی معترض گاه در لحظات حساس مانند شروع یا پایان مسابقات پریننده یا دریافت جام و مدال دست به اقداماتی سمبلیک به نفع جریان مردمی مخالف می‌زنند. در سال ۲۰۱۲ در کابل مسابقه بوکس یا مشت‌زنی حرفه‌ای بین حمید رحیمی و حریف تانزانیایی تحت عنوان مبارزه برای صلح برگزار شد و رحیمی حریف خود را شکست داد. حمید رحیمی در ۲۱ مبارزه در ۲۰ بار پیروز میدان بوده و گفت باورمندان است که تنها ورزش می‌تواند جامعه قومیتی افغانستان را در کنار هم قرار دهد. همچنین گفته است کودکان نباید اسلحه در دست گیرند، آنها باید وارد ورزش شوند و من ورزش را باور دارم. هدف اصلی از برگزاری این مسابقه ورزشی ارائه تصویری از صلح و آزادی در کشوری است که چهل سال با جنگ و تروریسم که توسط کشورهای بیگانه دامن زده می‌شود، دست به گریبان بوده است (التیامی‌نیا و محمدی عزیزآبادی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۹). همچنین بازی تنیس بین پاکستان و اسرائیل (ایسام الحق و امیر حداد)، به عنوان مدل نقش مثبت برای صلح در درون کشور خود بود، این بازی در سطح جهانی به عنوان «ابتکار صلح دو مرد با راکت» شناخته می‌شود.

محمد علی، قهرمان سه دوره بوکس سنگین وزن جهان بود که فعالیت‌های وی در جریان جنبش مدنی آمریکایی‌های آفریقایی تبار، نام او را در تاریخ سیاسی آمریکا نیز ماندگار کرد. او در جریان جنبش مدنی سیاه‌پوستان آمریکا، در کنار رهبران این جنبش فعالیت می‌کرد. کلی تا همین اواخر نیز از فعالیت‌های سیاسی دست نکشید و حتی طی بیانیه‌ای از دونالد ترامپ، نامزد احتمالی جمهوری خواهان در انتخابات ریاست جمهوری به علت اظهاراتش در مورد ممنوع‌الورود کردن مسلمانان به آمریکا انتقاد کرد. همچنین در جنگ ویتنام حضور نیافت و به همین دلیل بازداشت شد (خبرگزاری پارسین، ۱۳۹۵).

در مسابقات المپیک ۱۹۶۸ مکزیک، اسمیت<sup>۱</sup> و کارلوس<sup>۲</sup> قهرمانان سیاه پوست آمریکایی در رشته دو و میدانی به هنگام دریافت مدال طلا و برنز خود با سرهای به زیرافکنده در حالی که دستکش‌های سیاهی به دست داشتند، دست‌ها را به سوی آسمان بلند کردند و به این ترتیب اعتراض خود را نسبت به رفتار آمریکا با سیاهان نشان دادند و افکار عمومی جهان را متوجه وضعیت نامطلوب سیاهان آمریکا کردند (اخوان کاظمی، ۱۳۷۸، ص ۱۹). باید این را در نظر بگیریم که امروزه بیشتر قهرمانان ملت، ستاره‌های ورزشی هستند و آرمان مرد و زن ورزشکار در بحث‌های مربوط به ملت‌سازی و هویت ملی و همچنین نقش مهم آنها در توسعه اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی مهم و محوری است. ستاره‌های ورزشی تجسم وضعیت و جایگاه کشورها بوده و رسانه‌ها از خلال موفقیت‌های کشوری و پیشرفت‌های انفرادی و تیمی در شکل‌گیری این آرمان موثرند.

همچنین تیم ملی فوتبال نمادی تعیین‌کننده، جذاب و سیاسی از کشورها است که می‌تواند در بسیاری از مسائل اجتماعی تأثیرگذار باشد. فوتبال ابزار مناسب و کارآمدی در اختیار دولت‌ها است تا مردم را از توجه به وضعیت اجتماعی منحرف کنند و با

---

1- Smith

2- Carlos

تخلیه انرژی مردم، آنها را به پذیرش وضعیت موجود قانع سازند. آسابرگر<sup>۱</sup> بر این دیدگاه است که مردم در هر مسابقه در یک شورش اجتماعی شرکت می‌کنند و با تماشای خشونت و تنش‌های درون مسابقه به نوعی تخلیه روانی ناشی از نارضایتی از وضع موجود می‌پردازند (فاضلی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۸). استادیوم‌های فوتبال و برخی رشته‌های ورزشی می‌تواند به فضایی برای تجلی جامعه مدنی و طرح برخی از خواسته‌های مدنی تبدیل گردد. در واقع از آنجایی که نیروی حاکمه (حکومت خودکامه یا دولت استعماری) به طور رسمی عرصه را برای خودنمایی جامعه مدنی و تعقیب برخی مطالبات سیاسی و مدنی می‌بندد، مردم به صحنه‌های دیگری که امکان حضور برای آن‌ها فراهم است، روی می‌آورند و محیط‌های ورزشی خصوصاً استادیوم‌ها به عرصه‌ای برای نمایش مقاومت تبدیل می‌شوند (زرگر، ۱۳۹۴، ص ۳۹). ورزش‌های پرطرفدار مثل فوتبال در نمایش خود، جنبه‌ای بسیار دستکاری کننده و پوپولیستی<sup>۲</sup> دارند که می‌توان از آن به عنوان نوعی «تخدیر» نیز یاد کرد. در این مورد نیز بروم<sup>۳</sup> با استفاده از اصطلاح معروف مارکس<sup>۴</sup>، از ورزش با توصیف «ورزش افیون ملت‌ها» یاد می‌کند (Brohm, 2006, P58).

### ورزش، تعارضات و شکاف‌های جامعه

طبعاً نخستین وظیفه جامعه‌شناس سیاسی شناخت تعارضات و شکاف‌های جامعه است. زندگی سیاسی در هر کشوری به شیوه‌های گوناگون تحت تأثیر شکاف‌های اجتماعی خاص آن کشور و نحوه صورت‌بندی آن شکاف‌ها- شکاف‌های متراکم (قومیت و مذهب) و متقاطع (شکاف طبقه)- قرار می‌گیرد (بشیریه، ۱۳۷۴، ص ۹۹). سوالی که در این قسمت پیش می‌آید این است که ورزش و ورزشکاران چگونه باعث شکاف اجتماعی یا از بین بردن آن می‌شوند؟ در واقع جهانی شدن و شناخت

1- Asaberger  
2- Populist  
3- Brohm  
4- Marx

هویت و افزایش غرور ملی در بین مردم باعث شده که پیروزی و شکست ورزش (به خصوص رشته‌های پرطرفدار) در سطح بین‌المللی، در شکاف‌های جامعه تأثیرگذار باشد. پیوستگی مستقیم و آمیختگی موفقیت‌های ورزشی با حس وطن‌پرستی، همبستگی و هم‌گرایی، انسجام ملی و بزرگداشت نام ملت به همراه کسب وجهه مثبت ملی و بین‌المللی در سایه پیروزی یک ورزشکار یا یک تیم ورزشی باعث شد که تأثیراتی روی شکاف‌های جامعه بوجود آید.

سیاست، عرصه تدبیر امور عمومی است که حکومت‌ها مهم‌ترین متولیان آن هستند و این‌گونه است که ورزش نیز به دلیل تأثیراتی که بر حوزه عمومی می‌گذارد، مورد توجه حکومت‌ها قرار گرفته تا از مجرای آن بتوانند عرصه عمومی را به کنترل خود درآورند. ورزش نیز گاه آگاهانه یا ناآگاهانه رهبری سیاست و ایدئولوژی رسمی را پذیرفته و گاه به ابزار و عرصه‌ای برای ابراز مخالفت تبدیل شده است (فاضلی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۴). دولت‌ها در سیاست‌های ملی خود فعالیت‌های مختلفی انجام می‌دهند تا از طریق ورزش هم شور و نشاط، انگیزه مثبت و انرژی سالم را در بین مردم افزایش دهند و هم از طرف دیگر استحکام ملی را در بین مردم تقویت و هویت ملی را عمق ببخشند و بدین ترتیب به مردم احساس غرور ملی بدهند. بی‌شک این خود موجب کاهش شکاف‌ها و تعارضات می‌شود. با همین رویکرد، حکومت‌های ضعیف و استبدادی نیز سعی می‌کنند ورزش‌های پرطرفدار را جدی بگیرند و برای آن سرمایه‌گذاری کنند تا به اهداف خود برسند و موقعیت آنها در بین مردم تثبیت گردد. البته این نوع نگاه نیز می‌تواند دو رویکرد منفی و مثبت داشته باشد. وقتی دولت‌ها از این ورزش پرطرفدار بخواهند رابطه خود با ملت را به نفع خود تغییر دهند، جنبه منفی دارد و جنبه مثبت آن نیز این است که اساساً در کشورهایی که حکومت‌های سالم و مردمی تری نیز دارند به از بین بردن شکاف جامعه از طریق ورزش توجه بالایی دارند. بسیاری از دولت‌مردان معتقدند ورزش باعث به وجود آمدن دسته‌های اجتماعی می‌شود که این گروه‌ها و دسته‌های اجتماعی حاصل شده از فضای ورزش، نشاط و شادی

خاصی را به جامعه منتقل می کند که این امر در طولانی مدت باعث نزدیکی و اعتماد مردم به دولت خواهد شد (Hill, 2010, P528). همچنین سیاستمداران و حکومتها برای حفظ مشروعیتشان از ورزشکاران، تیمها و ورزشهای خاصی برای پذیرششان در ذهن شهروندان استفاده می کنند. امروزه حکومتها در ورزش دخالت می کنند تا پرستیژ و وجهه جامعه را ارتقاء دهند. دلیل دیگر برای ورود سیاستمداران به ورزش تشویق حس هویت، تعلق داشتن و وحدت است. ورزش می تواند همانند یک دیپلماسی عمومی برای نفوذ و تأثیر بر عقیدهها مورد استفاده قرار گیرد (Bainvel, 2005, P36).

تمامی آحاد جامعه با هر نوع گرایش سیاسی، مذهبی و وابستگیهای دیگر، در هنگام برگزاری مسابقات ملی، یک نقطه مشترک به نام تیم ملی می یابند و این امر عامل وفاق بخشهای گستردهای از مردم جامعه می شود. همین عامل غرور ملی و راضی بودن مردم از دولت به دلیل حمایت از ورزشکاران و قهرمانی در سطح جهان و افتخار برای کشور را به دنبال دارد (Smith & Dilwyn, 2013, P82). در این راستا، بسیاری از تغییرات حادث در ماهیت ورزش ناشی از تأثیر رسانه های جمعی و تمایل مدیران این رسانه ها و نمایندگان مؤسسات ورزشی برای افزایش جاذبه سیاستها است. به خاطر همین عملکردها است که می توان از رسانه های ورزشی در راستای کاهش نگاه و فکر به شکافهای متقاطع و حتی متراکم استفاده کرد. این نمایشهای ورزشی از طریق وسایل ارتباط جمعی می توانند بر ایده های ما در مورد ورزش، ادراک ما نسبت به دولت، روابط اجتماعی و رفتار مناسب و بر پیروی ما از ارزش های خاص دولت، تأثیر گذارند. رسانه های ورزشی می توانند نقش مهمی در پیشبرد اهداف ملی ایفا کنند. در واقع رسانه یک عامل است، نه ابزار صرف (التیامی نیا و محمدی عزیزآبادی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۴-۱۶۳). ورزش نقش مهمی در برساخته شدن ملتها و دولت های ملی دارد. در زمانهایی که در کشور بحران (اقتصادی و سیاسی) ایجاد می شود، ورزش با توجه به نفوذش در لایه های مختلف جامعه، همواره مورد توجه سیاستمداران کشور در راستای کاهش تعارضات مورد استفاده قرار گرفته است. تمرکز بیش از حد به ورزش در رسانه های

جمعی در مواقع بحران اقتصادی و سیاسی در کشور نشان از جهت دهی افکار عمومی به سمت ورزش دارد. بنابراین، طبیعی به نظر می‌رسد که حکومت‌ها برای حفظ ثبات و پایداری حکومت در زمان‌های خاصی که بحران به وجود آمده و یا شکاف جامعه زیاد شده است، از تمامی ابزارها از جمله ورزش برای هدایت افکار عمومی استفاده می‌نمایند (Darnell, 2010, P65). نلسون ماندلا<sup>۱</sup> رئیس‌جمهور سابق آفریقای جنوبی در سال ۱۹۹۵ از جام جهانی راگبی به عنوان ابزاری برای پل زدن بین شکاف‌های اجتماعی و سیاسی بین جمعیت‌های آفریقایی، سیاهان و رنگین پوست‌های این کشور استفاده کرد. به طور سنتی راگبی در آفریقای جنوبی به عنوان نماد مخالفت آفریقایی‌ها تلقی شده است. اقدام ماندلا در پذیرش تیم ملی راگبی این کشور و کمک به آن برای پیروزی در جام جهانی راگبی به عنوان یک رفتار آشتی‌جویانه نمادین تلقی شده است. حضور ماندلا در مسابقه نهایی این بازی‌ها و پوشیدن زیرپوش غزال آفریقای جنوبی، کمک کرد تا حمایت آفریقایی‌ها را به دست آورد و وحدت سیاسی را در این کشور ایجاد کند. ماندلا از این طریق توانست شکاف‌های پدید آمده در ملت رنگین‌کمان را تا حدی از بین ببرد (Heere, 2013, P451).

### ورزش، احزاب و مشارکت سیاسی

آلموند<sup>۲</sup> و پاول<sup>۳</sup> در کتاب خود سیاست مقایسه‌ای، فرهنگ سیاسی کشورها را در سه گروه محدود، تبعی و مشارکتی قرار می‌دهند. اولی نوعی از فرهنگ سیاسی است که در آن مردم نه به ورودی‌های سیستم کاری دارند و نه به خروجی‌ها و قوانین. دومی مربوط به کشورهایی است که در آن مردم به ورودی‌ها کاری ندارند، اما در مورد خروجی‌ها حساسند و در کشورهای نوع سوم افراد هم در مورد ورودی‌ها و هم خروجی‌های سیستم حساس هستند. ورزش می‌تواند روی فرهنگ سیاسی یک کشور

1- Nelson Mandela

2- Almond

3- Powell

تأثیر گذارد و همچنین از آن هم تأثیر پذیرد. در کشورهایی که بیشتر به دلایل فرهنگی مشارکت سیاسی عمومی وجود ندارد، گامی هرچند ضعیف به سوی فرهنگ سیاسی مشارکتی باز کند. از سوی دیگر، پیشتازی نخبگان در ایفای نقش‌های مختلف اجتماعی و نقش آن در الگو شدن برای قشرهای مرتبط نیازی به استدلال ندارد. البته هرچند این امر در نقاط مختلف گیتی اتفاق می‌افتد، اما بسته به شرایط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی حاکم بر کشورها این الگو شدن متفاوت است، مثلاً در قاره آفریقا ورزشکاران به قهرمانان ملی آفریقای گرسنه تبدیل شده‌اند. ورود اعضای تیم ورزشی به عرصه سیاست، به طور طبیعی راه ورود هواداران آن تیم به این عرصه را باز می‌کند. به همین دلیل امروزه و در دنیای معاصر معمولاً در موقع انتخابات، جناح‌های سیاسی سعی می‌کنند ورزشکاران مشهور را در لیست انتخاباتی خود قرار دهند و حداقل اینکه سعی می‌کنند نظر حمایتی آنها از یک حزب یا شخص را به دست آورند. اما نکته‌ای که باید در اینجا مورد تأکید قرار گیرد، لزوم دوری سیاست‌مداران از عزل و نصب‌ها و رقابت‌های مخالف مصالح و منافع ملی و توجه آنان به اجرای بی‌کم و کاست راهبردهای کشور در امور ورزشی است. همچنین ورزشکاران ملی باید براساس منافع ملی از میان بهترین‌ها در هر ورزش برگزیده شوند (ملکوتیان، ۱۳۸۸، ص ۳۰۵-۳۰۶).

امروزه مشارکت سیاسی عمومی مردم یک کشور به عنوان نمایش میزان مشروعیت نظام حاکم بر آن کشور قلمداد می‌شود، از سوی دیگر تلاش احزاب مختلف برای جذب طرفدار و استفاده از ابزارها و امکانات گوناگون، نقش ورزش را در تأثیرگذاری بر فرهنگ و مشارکت سیاسی پررنگ کرده است. تا جایی که گاهی شاهد تمایل احزاب سیاسی برای أخذ حمایت ورزشکاران به خصوص در ایام نزدیک به انتخابات یا قرار دادن نام ورزشکاران محبوب در لیست انتخاباتی آن‌ها هستیم. از سوی دیگر، تمایل ورزشکاران و قهرمانان برای ورود به عرصه سیاست، می‌تواند به طور غیر مستقیم هواداران ورزش را به هواداری سیاسی یک حزب یا جناح متمایل کرده و به مشارکت سیاسی تشویق کند.

حکومت‌ها حوزه‌های مختلف جامعه از جمله حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ورزشی را تحت کنترل خود دارند. یکی از ارکان پایداری و بقا حکومت‌ها حمایت احزاب سیاسی از حکومت می‌باشد. در این راستا، حکومت‌ها تمایل دارند تا در احزاب سیاسی نفوذ کرده و آنان را در جهت حمایت از حکومت سوق دهند. با توجه به علاقه نوجوانان و جوانان به ورزش، سیاست‌مداران با تشکیل انجمن‌ها، باشگاه‌ها و تیم‌های به ظاهر ورزشی که ماهیت سیاسی دارند، افکار و عقاید نوجوانان و جوانان را به سمت و جهات خاصی هدایت می‌نمایند. اوردیلوسکی<sup>۱</sup> و اسزیمانسکی<sup>۲</sup> بیان می‌کنند که بعد از جنگ جهانی دوم و در سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۶ در کشور لهستان، دو حزب عمده لهستان، یعنی حزب کارگران و حزب سوسیالیست از ورزش برای مقاصد سیاسی‌شان استفاده کردند. کمونیست‌ها با برگزاری رویدادهای ورزشی متعدد سعی در جلب عموم مردم به خود داشتند. در جلسات ورزشی که گویی جلسات سیاسی حزب کمونیست (سوسیالیست‌ها) بود، در جهت تصمیمات ورزشی و حزبی بحث و گفتگو می‌شد. مدیران ورزشی می‌توانند با افزایش مهارت‌های سیاسی خود در ارتباط با سیاست‌مداران موفق باشند (Ordyłowski & Szymanski, 2006, P1-3). از طرف دیگر، تقریباً همه احزاب در بیشتر کشورها پذیرفته‌اند که ورزش موضوعی سیاسی است و از رابطه میان سیاست و ورزش نه تنها نباید واهمه داشت، بلکه باید از آن استقبال کرد و این نوع فعالیت‌ها نباید در زندگی اجتماعی در حاشیه قرار بگیرند (Houlihan, 2005, P172).

### ورزش و انگیزه‌های انتخابات و رأی‌دهی

بیگ لایز<sup>۳</sup> در تحقیقی تحت عنوان «سیاست‌مداران، تصمیم‌گیری درباره مسائل مربوط به انتخاب مجدد» به این نتیجه رسید که دلیل اصلی دخالت و ورود سیاست‌مداران در ورزش و حمایت از پروژه‌های ورزشی، کسب آرای بیشتر برای

1- Ordyłowski  
2- Szymanski  
3- Big Lies



پیروزی در انتخابات سیاسی می‌باشد. همچنین سایپل<sup>۱</sup> نشان داد که سیاستمداران برای عمومیت دادن اعتماد و تعهدات سیاسی به عضویت سازمان‌های داوطلبانه ورزشی درمی‌آیند. یکی از این موارد استفاده مستقیم افراد سیاسی از ورزش در عرصه انتخابات ریاست جمهوری در ایران در سال ۱۳۸۸ می‌باشد. گرفتن عکس در کنار قهرمانان جهان و المپیک و توزیع این عکاس‌ها حین انتخابات، شرکت در مراسم توزیع مدال‌ها در مسابقات مهم داخلی، حضور در مسابقات ورزشی به عنوان تماشاگر و غیره از شیوه‌های استفاده شده در انتخابات است. همواره بحث‌های زیادی وجود دارد که چرا بودجه‌های زیادی صرف ورزش حرفه‌ای و قهرمانی شده و کمتر به ورزش همگانی توجه می‌شود. یکی از بحث‌هایی که مطرح می‌شود این است که ورزش حرفه‌ای پتانسیل تبلیغ بیشتری برای دولت‌مردان دارد، به همین علت حکومت‌ها توجه بیشتری به ورزش حرفه‌ای دارند. نتایج تحقیق ون آلت<sup>۲</sup> و همکاران نشان داد که در دید رسانه‌ها بودن احتمال پیروز شدن سیاستمداران را در مبارزات انتخاباتی افزایش می‌دهد. سیاستمداران کانادایی از ورزش برای دستیابی به قدرت سیاسی استفاده می‌کنند. هنری<sup>۳</sup> بیان می‌کند که سیاستمداران یونانی از حزب‌های مختلف برای کسب پست‌های ورزشی در فدراسیون‌های والیبال و فوتبال یونان در بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۳ کشمکش‌های بسیاری داشتند (گودرزی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۶۶-۶۵).

محبوبیت و شهرت تیم‌های ملی و ستارگان جهانی ورزش، قدرت اثرگذاری بالایی دارند. به طوری که نفوذ و قدرت ورزشکاران در سطح سیاسی هم نمود پیدا کرده است. ورود فوتبالیست‌های برجسته به عالی‌ترین سطوح سیاسی، شاهدی بر این ادعاست. نمونه موردی آن، نقش پله (بازیکن سابق تیم ملی فوتبال برزیل) در تحولات سیاسی این کشور می‌باشد، که در کشوری صاحب فوتبال وزیر ورزش بود و حتی در

---

1- Saipel

2- Van Alest

3- Henri

سالیان پیش تشویق به شرکت در انتخابات ریاست جمهوری آن کشور شد، اما از این امر سرباز زد. در ایران هم نیز چهره‌های ورزشی در انتخابات مجلس شورای اسلامی (امیررضا خادم) و شورای شهر تهران (هادی ساعی و علیرضا دبیر، حسین رضازاده) موفقیت‌های خوبی را کسب کرده‌اند. امیر عابدینی فوتبالیست سابق کشور که به سطح معاون وزیر هم رسیده بود و بعد کاندید عضویت در شورای شهر اول تهران شد.

زیدان<sup>۱</sup> قهرمان ملی فرانسه است که شیرا<sup>۲</sup> در سال ۱۹۹۸ بعد جام جهانی فرانسه به استقبالش می‌آید، همچنین مارادونا<sup>۳</sup> قهرمان آرژانتین است و رهبران آمریکای لاتین از ایستادن در کنار او لذت می‌برند و فیدل کاسترو<sup>۴</sup> رهبر کوبا با مارادونا رفاقتی دیرینه داشت. پله<sup>۵</sup> در برزیل اسطوره‌ای است که سیاستمداران برای کسب قدرت همیشه برآند که او را وزیر خود بخوانند و چیلورت<sup>۶</sup> افسانه‌ای در پاراگوئه تا مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۱ پیش می‌آید و قهرمانانه نشان می‌دهد که دنیای سیاست با ورزش فاصله‌ای زیاد ندارد. این فقط فوتبال نیست؛ چرا که کاسپاروف<sup>۷</sup>، شطرنج‌باز قهار روسی، در حوزه سیاست در سال ۲۰۰۰ رقیب پوتین<sup>۸</sup> می‌باشد و رقابت انتخاباتی راه می‌اندازد (گودرزی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۶). یا مثال دیگر شرکت ژرژ وه آ<sup>۹</sup> فوتبالیست شهیر لیبرایی در انتخابات ریاست جمهوری کشورش را مثال زد که تا دور دوم انتخابات نیز پیش رفت و آنجا رقابت را به رقیب خود واگذار کرد. همچنین دیوید بکهام<sup>۱۰</sup> در دوران بازیکن بودن خود اهمیت و کارکرد سیاسی ویژه‌ای پیدا کرده بود که در نحوه برخورد خاندان سلطنتی با او نیز منعکس بود، از نظر تاریخی، ملکه و خاندان

1- Zidane

2- Shira

3- Maradona

4- Fidel Castro

5- Pele

6- Chilavert

7- Kasparov

8- Putin

9- George W. A.

10- David Beckham

سلطنتی مهمترین نمادهای هویت بریتانیایی محسوب می‌شوند و مهم‌ترین دلیل طرفداران حفظ نظام سلطنتی، همین کارکرد ملکه در حفظ میراث تاریخی و ملی بریتانیاست. بنابراین، بسیار طبیعی بود که ملکه و خاندان سلطنتی تلاش می‌کردند تا به شکل‌های متفاوت، بکهام را در «گنجینه‌ی میراث ملی» بریتانیا بگنجانند و او را که تا این لحظه محبوبیت عظیمی در دل‌های مردم به دست آورده است، برای تقویت جایگاه خاندان سلطنتی نزد مردم، به خدمت بگیرند (فاضلی، ۱۳۸۵، ص ۱۸).

عرصه ورزش با حوزه تبلیغاتی وسیع، محلی جذاب برای تبلیغات سیاسی سیاستمداران به شیوه‌های گوناگون می‌باشد. مثلاً در زمان انتخابات و تصمیم‌گیری‌های مهم سیاسی از ورزشکاران برجسته در جهت رأی‌دهی به نفع خود سود می‌برند، یا در برخی از مواقع دولت‌ها سعی می‌کنند تا از مطرح شدن ورزش به عنوان یک نیروی سیاسی آزاد در جامعه جلوگیری نمایند. به همین خاطر بسیاری از دولت‌ها تلاش می‌کنند تا به هر طریقی ورزش را در جهت خط‌مشی‌ها و منافع مدنظر خود هدایت نمایند. سیاستمداران و حکومت‌ها برای حفظ مشروعیت‌شان از ورزشکاران، تیم‌ها و ورزش‌های خاصی برای پذیرش‌شان در ذهن شهروندان استفاده می‌کنند. یک نمونه خوب برای استفاده از ورزشکاران، رئیس‌جمهور سابق آمریکا بوش<sup>۱</sup> بود که زیادی را در زمان ریاست جمهوری خود با ورزشکاران برتر می‌گرفت. در اکثر موارد رهبران سیاسی تلاش می‌کنند که خود را طرفدار ورزش و حتی یک هوادار وفادار نشان دهند. رهبران سیاسی تلاش می‌کنند تا برگزاری رویدادهای بزرگ ورزشی را به خودشان نسبت دهند و تلاش می‌کنند تا عملکرد موفقیت‌آمیز ورزشکاران و تیم‌های ورزشی را در مسابقات و رقابت‌های بین‌المللی را نتیجه زحمات‌های خودشان نشان دهند. بعضی از ورزشکاران و مربیان سابق در ایالات متحده در زمان برگزاری انتخابات از وجهه‌شان برای تبلیغ کاندیدای مورد نظر خود استفاده می‌کنند. یک مثال خوب برای

---

1- Bush

این نوع تبلیغ، تبلیغ جسی ونتر<sup>۱</sup> کشتی‌گیر حرفه‌ای سابق بود که برای تبلیغ در انتخابات ریاست جمهوری به عنوان فرماندار مینه سوتا انتخاب شده بود. بعضی از ورزشکاران و مربیان سابق در ایالات متحده با حمایت سیاسی سیاستمداران وارد کنگره و مجلس سنا شدند تا بعداً از اهداف و طرح‌های این سیاستمداران حمایت و پشتیبانی کنند. یک مثال خوب بر این مورد انتخاب آرنولد شوارزنگر<sup>۲</sup> به عنوان فرماندار کالیفرنیا بود (Messner, 2007, P68). محبوبیت و شهرت تیم‌ها و ستارگان فوتبال، قدرت اثرگذاری بالایی به آنها بخشیده است. این نفوذ و قدرت در سطح سیاسی هم نمود پیدا کرده است. ورود فوتبال‌بست‌های برجسته به عالی‌ترین سطوح سیاسی، شاهدی بر این مدعاست. در سال‌های اخیر، در چند کشور آمریکای لاتین، فوتبال‌بست‌ها کاندیدای ریاست جمهوری شده‌اند. در ایران نیز چهره‌های ورزشی در انتخابات مجلس شورای اسلامی و شورای شهر تهران وارد شده‌اند. تحلیل روند رفتار انتخاباتی در ایران، در انتخابات‌های گذشته، نشان‌دهنده تغییر از سطح حمایت ورزشکاران از کاندیداهای سیاسی، به سطح نامزدی و مشارکت مستقیم آنان در انتخابات‌ها دارد.

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شد قابلیت‌های سیاسی ورزش که در رابطه بین دولت و جامعه نقش ایفا می‌کنند، بیان شود، تا بتوانیم نقش ورزش و ورزشکاران در زندگی سیاسی را به شکل خاصی نشان دهیم. بر این اساس مصداق عینی و آشکار نفوذ روابط ورزشی در سرتاسر روابط اجتماعی و کل ساختار جامعه را می‌توان از کنش و واکنش‌های آن با روابط سیاسی ملاحظه نمود. ورزش به عنوان یک واقعیت در ساختار جامعه حیات دارد و مانند هر پدیده دیگر، افراد، گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ورزش عرصه فعالیت‌های الگومند، ساختارهای

---

1- Jesse Ventra

2- Arnold Schwarzenegger

اجتماعی و روابط میان نهادی بوده که فرصت منحصر به فردی برای مطالعه و فهم پیچیدگی های حیات اجتماعی فراهم می آورد. ورزش فعالیتی است که درجه ای از اشتغال اولیه یا ثانوی هایی را در بردارد که دیگر شرایط نهادی قادر به پیشی گرفتن از آن نیستند. ورزش چنان فرصتی برای تحقیق در مورد اشکال بسیار شفاف ساختار اجتماعی - سیاسی فراهم می آورد که در دیگر نظام ها یا موقعیت ها نمی توان یافت. روابط اجتماعی - سیاسی و تربیت بدنی و ورزش در هر جامعه ای متقابلاً در توسعه و تحکیم یکدیگر گام برمی دارند و در سمت گیری جامعه مطلوب مؤثراند. روابط ورزشی به عنوان یکی از شبکه های روابط اجتماعی در جامعه عمل کرده و روابط اجتماعی از نوع فرهنگی و سیاسی تبادلات و مناسبات گسترده و یا محدودی را به تناسب مورد ذی ربط بوجود می آورد. ورزش عامل تقویت کننده در پیشبرد اهداف دموکراتیک و سیاست های آن در جامعه دموکراسی و تقویت سیاسی ملی و رفع اختلافات سیاسی و ملی مطرح گردیده است. ورزش یک علاقه مشترک فرهنگی است که مردم را در سراسر جهان، از هر نژاد و مذهب در رقابت های ورزشی شرکت می دهد. در عرصه جنگ نرم، ورزش یکی از مهمترین کارکردها را ایفا می کند؛ به طوری که کشورها سعی دارند از طریق ورزش و ورزشکاران به اهداف گسترده خود در کسب قدرت دست یابند. توجه به ورزش در نخستین نگاه در میان عموم طبقات جامعه و در دیگر سو در حوزه سیاست و توجه سیاستمداران به مقوله ورزش، از جمله مباحثی است که در بسیاری از کشورها، دیرزمانی است که از جمله ابزارهای ارتباطی، جاذب و فراگیر برای ارتباط با بدنه اجتماع و دیگر کشورها به کار رفته و می رود. ورزش همانند دیگر حوزه های فرهنگ، اخلاق، دین، اقتصاد و جامعه، حوزه تحت نفوذ حاکمیت می باشد و بدون در نظر گرفتن و قبول کردن ایدئولوژی حاکم، نمی تواند به فعالیت خود به صورت پایدار ادامه دهد. اما با این شرایط هم ورزش و ورزشکاران حرفه ای با حرکات، پیروزی و شکست های خود می توانند در زندگی سیاسی یک جامعه نقش بازی کنند. در کل با بررسی هایی که در این پژوهش شد، جامعه شناسی سیاسی ورزش

را می‌توان اینگونه تعریف کرد: ورزش امری بیرونی و نوعی فرایند اجتماعی و سیاسی است که می‌تواند در حوزه تقویت و ارتقاء سرمایه‌های (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و انسانی) مورد اهمیت قرار گرفته و به عنوان یک پدیده مؤثر بر روی سیاست اثر گذارد. برای مثال یکی از کارکردهای مثبت ورزش، تأیید و تأکید بار تعدادی از ارزش‌های مفید اجتماعی و سیاسی بوده و در شرایطی که ارزش‌های رسمی حاکم و تلاش‌های سمبلیک و ارزشی یک ورزشکار بر هم منطبق باشند، تلاش ورزشکاران باعث تحکیم ارزشی گردیده و از این طریق بر ثبات و تعادل اجتماعی - سیاسی تأثیر مثبت می‌گذارد. جامعه‌شناسی سیاسی ورزش علاوه بر رابطه متقابل ورزش با نهادهای اجتماعی، کارکردهای سیاسی فراوانی دارد که می‌تواند در اختیار نیروهای اجتماعی قرار بگیرد، به طوری که نقش زیادی در زندگی سیاسی مدرن امروزی خواهد داشت.

## منابع

۱. اخوان کاظمی، مسعود (۱۳۷۸). ورزش و سیاست بین‌الملل. المپیک، ۷(۲-۱): ۳۲-۱۵.
۲. بشیریه، حسین (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی. تهران: نشر نی.
۳. بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۱). کنش‌های ورزشی و کنش‌های اجتماعی. ترجمه محمدرضا فرزاد. ارغنون، ۲۰: ۲۴۵-۲۲۷.
۴. التیامی‌نیا، رضا؛ محمدی عزیزآبادی، مهدی (۱۳۹۴). نقش تبعی و تسریع‌کننده ورزش در فراهم کردن شرایط صلح در بین دولت‌ها. تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۷(۲۲): ۱۷۹-۱۴۹.
۵. رفیعی، ابوذر؛ محمدی عزیزآبادی، مهدی (۱۳۹۵). ورزش و هویت جمعی؛ مطالعه موردی: شهر کرج. مطالعات ملی، ۶۸: ۹۶-۷۹.
۶. زرگر، افشین (۱۳۹۴). ورزش و روابط بین‌الملل: جنبه‌های مفهومی و تنوریک. علوم سیاسی، ۱۱(۳۱): ۴۸-۷.
۷. شاه‌رضایی، فاطمه؛ شیرزادی، رضا (۱۳۹۵). ورزش، سیاست و روابط بین‌الملل. مطالعات بین‌المللی، ۱۳(۱): ۲۲۰-۱۸۵.
۸. صداقت زادگان، شهناز (۱۳۸۴). جامعه‌پذیری از طریق ورزش. المپیک، ۱۳(۴): ۷۲-۶۱.
۹. صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۷۲). درآمدی بر جامعه‌شناسی ورزش. المپیک، ۱: ۵۸-۴۷.
۱۰. فاضلی، حبیب‌اله (۱۳۹۱). ورزش و سیاست هویت. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۲: ۱۷۴-۱۵۱.
۱۱. فاضلی، نعمت‌اله (۱۳۸۵). جایگاه ستاره‌های ورزشی. رشد آموزش علوم اجتماعی، ۱۰(۲): ۲۱-۱۴.
۱۲. فکوهی، ناصر (۱۳۹۱). ورزش از منظر جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی. اطلاعات حکمت و معرفت، ۷(۱۰): ۱۲-۷.
۱۳. قاسمی، وحید؛ ذوالاکتاف، وحید؛ علی‌وند، علی (۱۳۸۸). وندالیسم و اوباشگری در ورزش فوتبال. تهران: انتشارات جامعه‌شناسی.
۱۴. گودرزی، محمود؛ اسدی، حسن؛ خیبری، محمد؛ دوستی، مرتضی (۱۳۹۱). ورزش و سیاست. ساری: موج قلم.
۱۵. محمدعلی از ورزش تا کنش سیاسی و اجتماعی (۱۶ خرداد ۱۳۹۵). خبرگزاری پارسین، قابل دسترس در: <https://www.parsine.com/fa/news/287850/%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF>
۱۶. محمدی عزیزآبادی، مهدی (۱۳۹۷). ورزش عاملی در نزدیکی رابطه دولت و ملت. در: مجموعه مقالات همایش روابط دولت و ملت در ایران. تهران: نشر مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ص ۳۹۳-۳۵۹.
۱۷. ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۸). ورزش و سیاست. سیاست، ۳۹(۲): ۳۱۶-۳۰۱.
۱۸. مهرآئین، محمدرضا (۱۳۸۷). نظریات جدید جامعه‌شناسی ورزش. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۱۹. نادریان، مسعود (۱۳۸۴). مبانی جامعه‌شناسی در ورزش. اصفهان: هنرهای زیبا.
۲۰. نوابخش، مهرداد؛ جوانمرد، کمال (۱۳۸۸). پیش‌قراولان جامعه‌شناسی ورزش. جامعه‌شناسی، ۱۴: ۱۵۰-۱۳۳.
21. Bainvel, S. (2005). **Sport and Politics: A study of the relationship between International Politics and Football**. Master's Thesis. Linköpings Universitet MSc Programme in International and European Relations.
22. Brohm, J. (2006). **La Tyrannie sportive, theorie critique d'un opium du people**. Paris: Beauchesne editions.
23. Darnell, S.C. (2010). Power, politics and Sport for Development and Peace: investigating the utility of sport for international development. *Sociology of Sport Journal*, 27(1): 54-75.
24. Heere, B. (2013). The Power of Sport to Unite a Nation: the Social Value of the 2010 FIFA World Cup in South Africa. *European Sport Management Quarterly*, 13(4): 450-471.
25. Hill, J. (2010). Sport in Australian National Identity: Kicking Goals. *Sport in History*, 33(1):518-531.

26. Houliham, B. (2005). Public sector sport policy developing a Framework for Analysis. *International Review for the Sociology of Sport*, 40(2):163-185.
27. Jon, E. T. (2013). **Soccer and International Relations Can Soccer Improve International Relation?** Ottawa: University of Ottawa.
28. Li, L. & Honga, F. (2015). The National Games and National Identity in the Republic of China, 1910–1948. *The International Journal of the History of Sport*, 32 (3): 440-454.
29. Messner, M.A. (2007). The masculinity of the governor: Muscle and compassion in American politics. *Gender & society*, 21(4): 61-80.
30. Ordylowski, M. & Szymanski, L. (2006). **Sport in politics - politics in sport. Stalinism in Poland in the years 1949-1956.** Available in: <http://www.pages.drexel.edu/~rosenl/sports%20Folder/Sport%20in%20politics%20Poland.pdf>.
31. Smith, A. & Dilwyn, P. (2013). **Sport and National Identity in the Post-War World.** London: Psychology Press. Social Science.

## References

1. Akhavan Kazemi, M. (2000). Sport and International Politics. *Olympic Quarterly*, 7(1-2):15-32. [in Persian]
2. Altiarnia, R. & Mohammadi Azizabadi, M. (2016). The Substantial and Accelerating Role of Sport in Providing Peace between Governments. *Quarterly Journal of Political and International Research*, 7(22):179-149. [in Persian]
3. Bainvel, S. (2005). **Sport and Politics: A study of the relationship between International Politics and Football.** Linköpings Universitet MSc Programme in International and European Relations.
4. Bashirieh, H. (1996). **Political Sociology: The Role of Social Forces in Political Life.** Tehran. Ney Publishing. [in Persian]
5. Bourdieu, P. (2003). Sports and Social Activities. Translated by Mohammad Reza Farzad. *Journal of Argonne*, 20: 245-227. [in Persian]
6. Brohm, J. (2006). **La Tyrannie sportive, theorie critique d'un opium du people.** Paris: Beauchesne editions.
7. Darnell, S.C. (2010). Power, politics and Sport for Development and Peace: investigating the utility of sport for international development. *Sociology of Sport Journal*, 27(1):54-75.
8. Fakuhi, N. (2013). Exercise from Sociological and Anthropological Perspectives. *Journal of Wisdom and Knowledge Information*, 7(10):7-12.
9. Fazeli, H. (2013). Sport and the Politics of Identity. *Journal of Political Science*, 7(2):174-151. [in Persian]
10. Fazeli, N. (2007). The Position of Sports Stars. *Social Science Education Growth*, 10(2): 21-14. [in Persian]
11. Ghasemi, V.; Zolaktaf, V. & Alivand, A. (2010). **Vandalism and Hooliganism in Football.** Tehran: Sociology Publications. [in Persian]
12. Goodarzi, M.; Asadi, H.; Khabiri, M. & Dosti, M. (2013). **Sport and Politics.** Sari: Wave Pen. [in Persian]
13. Heere, B. (2013). The Power of Sport to Unite a Nation: the Social Value of the 2010 FIFA World Cup in South Africa. *European Sport Management Quarterly*, 13(4): 450-471.
14. Hill, J. (2010). Sport in Australian National Identity: Kicking Goals. *Sport in History*, 33(1): 518-531.
15. Houliham, B. (2005). Public sector sport policy developing a Framework for Analysis. *International Review for the Sociology of Sport*, 40(2):163-185.
16. Jon, E.T. (2013). **Soccer and International Relations Can Soccer Improve International Relation?** Ottawa: University of Ottawa.
17. Li, Liu & Honga, F. (2015). The National Games and National Identity in the Republic of China, 1910–1948. *The International Journal of the History of Sport*, 32(3): 440-454.
18. Malkotian, M. (2010). Sport and Politics. *Political Quarterly*, 39(2): 316-301. [in Persian]
19. Mehraïn, M.R. (2009). **New Theories of Sport Sociology.** Tehran. Sociology Publications. [in Persian]
20. Messner, M.A. (2007). The masculinity of the governor: Muscle and compassion in American politics. *Gender & society*, 21(4): 61-80.
21. Mohammad Ali from Sport to Political and Social Action. (Khordad 16, 2017). parsin News Agency. Available at: <https://www.parsine.com/fa/news/287850/%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF> [in Persian]



22. Mohammadi Azizabadi, M. (2019). Functional Exercise near the Relationship of State and Nation. Proceedings of the Conference on Government-Nation Relations in Iran. Cultural and Social Studies Journal. Tehran pp. 393-359. [in Persian]
23. Naderian, M. (2006). **Foundations of Sociology in Sport**. Isfahan: Fine Arts. [in Persian]
24. Navabakhsh, M. & Javanmard, K. (2009). Predictors of the Sociology of Sport. *Quarterly Journal of Sociology*, 14:150-133.[in Persian]
25. Ordylowski, M. & Szymanski, L. (2006). **Sport in politics - politics in sport. Stalinism in Poland in the years 1949-1956**. Available in:  
<http://www.pages.drexel.edu/~rosenl/sports%20Folder/Sport%20in%20politics%20Poland.pdf>.
26. Rafi'i, A. & Mohammadi Azizabadi, M. (2017). Sport and Collective Identity; A Case Study: Karaj City. *National Studies Quarterly*, 68:79-79. [in Persian]
27. Sedaghat Zadegan, S.h. (2005). Socialization through Sport. *Olympic Quarterly*. 13(33):61-72 [in Persian]
28. Sediq Sarvestani, R. (1994). Introduction to the Sociology of Sport. *Olympic Quarterly*, 1: 58-47. [in Persian]
29. Shah Rezaie, F. & Shirzadi, R. (2017). Sport, Politics and International Relations. *International Studies Quarterly*, 13(1): 220-185. [in Persian]
30. Smith, A. & Dilwyn, P. (2013). **Sport and National Identity in the Post-War World**. London: Psychology Press, Social Science.
31. Zargar, A. (2015). Sport and International Relations: Conceptual and Theoretical Aspects. *Political Science Quarterly*, 11(31):48-7.[in Persian]